

گفتگو با کاپیتان «دورگه» تیم ملی والیبال نوجوانان



گفتگو: محمدرضا مدنی
عکس: جعفر نوجوان

عروسی من و دختر دایمی ام شایعه است!



(می خندد) مثل اینکه. پسر چندم هستی؟ من فرزند وسطی خانواده ام و پسر دوم. اهل فیلم و سینما هم هستی؟ ای تا حدودی البته اگر مرا میهمان کنند. حتماً به سینما می روم یعنی هرگز پول برای سینما نمی دهم. آخرین بار که به سینما رفتی چه زمانی و چه فیلمی بود؟ ۲ فیلم کما و بوتیک را طی ۲ روز پیاپی رفتم و دیدم. فردای روز دوم هم به اردوی تیم ملی والیبال نوجوانان پیوستم. هر ۲ بار هم مجانی رفتی؟ معلومه! اگر میهمان نمی شدم که نمی رفتم! چه سبک فیلم هایی را می پسندی؟ عشقی! یعنی رمانتیک! (رمانتیک را ما به یاد منصور انداختیم!) چرا؟

خب دیگر. آخر من فرزند یک ازدواج رمانتیک هستم. بیشتر توضیح می دهی (جالب شد)؟ پدرم در دوران مجردی برای تحصیل عازم آلمان شد و در آنجا دانشجوی بود که با مادرم که یک دختر اهل جمهوری چک بود و برای کار به آلمان عزیمت کرده بود آشنا می شود و پس از مدتی با یکدیگر ازدواج می کنند.

زبان چکی هم بلدی؟ کوچکتر که بودم بیشتر بلد بودم. اما در طول سال های اخیر به دلیل حضور در اردوهای تیم های ملی و باشگاهی و حضور کم در خانه بیشتر لغات و جملات را فراموش کرده ام.

آخرین بار چه زمانی به جمهوری چک رفتی؟ ۵ سال پیش بود. حالا هم خیلی دلم برای تنها خاله و دایی ام که در آنجا زندگی می کنند تنگ شده است. باین حساب در پاسخ به سؤال کدام کشور را برای سفر انتخاب می کنی جمهوری چک را نام خواهی برد؟ بله! آخر دلم برای ۲

اینقدر والیبالش ضعیف بود و اینقدر سرکوفت بازی های بدش را خورد تا سرانجام مجبور شد در یک کلاس والیبال ثبت نام کند و اینقدر تلاش کند تا برخلاف انتظار اطرافیانش کاری کند کارستان. او به یک باره سر از تیم ملی نوجوانان کشورش درآورد و آنهایی که او را نخودی بازی های خانوادگی والیبال می پنداشتند حالا برای عرض تبریک به او صف کشیده و در انتظار لحظه ای هستند که سرش خلوت باشد. گفتگوی منصور زادون (ZADVAN) با مجله جوانان امروز را می خوانید. (درج نام فامیل لاتین منصور به دلیل تلفظ اشتباه اسم اوست.) چه شد که به والیبال علاقه مند شدی؟ کاملاً اتفاقی. چرا که من اصلاً والیبال دوست نداشتم و بیشتر به فوتبال، پینگ پنگ و شطرنج می پرداختم. اما در جمع خانوادگی و در مسافرتها هر ماه با اعضای خانواده مثل پدرم، عموهایم یا پسر عموهایم بازی می کردیم آن ها به خاطر بازی ضعیف من حساسی برابم کری می خواندند و این مطلب سبب شد تا به سراغ والیبال بروم و نقطه ضعفم را برطرف کنم. با این حساب اگر کری های خانواده نبود حالا در این مقطع نبود؟ ممکنه!

بعد چه شد؟ از تیم کانون شمیران شروع کردم و اولین مربی ام آقای علیپور عروجی بود. سپس به باشگاه اتکار رفتم و بعد هم به برق تهران پیوستم. هنوز هم با برق یک سال قرارداد دارم.

چطور شد که به پیکان نرفتی؟ آخر پیکان ویتترین بهترین های والیبال ایران است؟ مسؤلان باشگاه برق تحت هیچ شرایطی رضایتنامه ام را نمی دهند و من هم تا پایان فصل آینده، صبر می کنم و سپس که بازیکن آزاد محسوب شدم آن وقت تیم بعدی ام را خودم انتخاب می کنم. قد و وزنت چقدر است؟ قدم ۲۰۲ سانتی متر و وزنم ۸۸ کیلوگرم. نفتی متولد چه سالی هستی؟ ۱۳۶۵/۱۰/۱۶ در محله شمیران متولد شدم. چند خواهر و برادر داری؟ ۳ برادر دارم و یک خواهر. یعنی در مجموع ۵ نفر هستیم. پس یک تیم کامل والیبال هستید؟

